

جهاد در قلب اسلام

آقای Pat Robertson از پیشوایان محافظه کار مسیحی اخیرا مصاحبه جنجالی تحریک آمیزی در باره اسلام انجام داده است. ایشان در این مصاحبه آرزو میکند، ایکاش پرزیدنت بوش هرگز اسلام را دین صلح نمی نامید و ادعا میکند که قرآن پیروانش را به کشتن پیروان سایر شریعت ها فرمان میدهد. نامبرده این مصاحبه را روز سه شنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۰۲ ساعت ۱۰:۴۲ با مخبر CNN آقای Martin Savidge در دفتر مرکزی خود در ویرجینیا انجام داده است.

مصاحبه کننده سخن را با طرح این سخن پرزیدنت بوش آغاز میکند که: "چهره ترور چهره واقعی ایمان اسلامی نیست، اسلام تماما چنین نیست، اسلام دین صلح است".

خبرنگار: برای شروع بحث، بگذارید این سؤال را مطرح کنم که شما با آنچه از زبان پرزیدنت در دفاع از اسلام خارج شده مخالف هستید یا اصلا قبول ندارید اسلام یک دین صلح آمیز است؟

رابرتسون: من با آنچه در دنیای اسلام میگذرد خیلی آشنا هستم، جاثیکه خبرنگاران ما در سراسر این منطقه حضور دارند، همانجائیکه از تعالیم قرآن و از تاریخ اسلام، هر چیزی به غیر از صلح میتوان یافت. اکنون میلیونها مسلمان بسیار صلح طلب وجود دارند و من واقعا فکر میکنم یک تفاوت معنایی در اینجا وجود دارد که آدم را به گیجی و سردرگمی میکشاند، البته مسلمانان صلح دوستی هم هستند، اما در همان زمان در مغز و هسته این مذهب جهاد وجود دارد که غیر مؤمنان را هدف قرار میدهد و بین دوراهی اجبار برای تغییر مذهب یا مرگ مخیر میسازد. این چیزی است که آموزش داده میشود.

خبرنگار: اما جناب، منظور من این بود که با گفتار شخص رئیس جمهور (از موضع رسمی) در این موضع مخالفید، یا اینکه به این نتیجه رسیده اید که اسلام راه صلح و آشتی نیست؟

رابرتسون: من آدمی هستم که برآستی دوست دارد حقیقت را بگوید و من واقعا نمی فهمم چرا در آمریکا باید تا این حد ما از قرآن و تاریخ غافل باشیم و آنرا نخوانیم؟

خبرنگار: اما کسی ممکن است انگشت روی کتاب مقدس Bible بگذارد و بگوید این کتاب نیز پر است از داستانهایی که سرشار از خشونت یا تجاوزات خشونت بار است؟

رابرتسون: این حقیقت ندارد، مسیح شاهزاده صلح بود. او به ما گفت در صلح زندگی کنید، به ما گفت دشمنان را نیز دوست بداریم، او گفت به کسانی که با ما کینه توزانه رفتار میکنند خوبی کنید (اما) محمد گفته است غیر مؤمنان را بکشید، او گفت یهودیان از اعقاب میمون و خوک هستند. این چیزی است که هم اکنون در سراسر جهان اسلام آموزش داده میشود، یعنی نفرت و بیزاری.

خبرنگار: بسیاری از مردم کلمات زیبای کتاب مقدس یا قرآن را می‌گیرند و در جهت اهداف خشونت آمیز خودشان تحریف میکنند، چنین کاری هم در مسیحیت و هم در اسلام انجام شده است.

رابرتسون: آیا شما هیچوقت سوره ای از قرآن را خوانده‌اید؟

خبرنگار: بله قربان.

رابرتسون: پس خوب میدانید که قرآن چه میگوید: هیچ تردیدی نیست که جهاد بطور تاریخی معنای جنگ را میدهد. همین حالا، فتوای علیه خبرنگاری که گفته بود "محمد ممکن بود یکی از ملکه های زیبای جهان را برگزیند" در نیجریه صادر شده است.

خبرنگار: فتوا توسط یک بشر عادی صادر شده است، نه توسط کسی در بالا (خدا).

رابرتسون: من نمی‌فهمم شما تلاش میکنید چه چیزی را بگوئید. منظورم این است که این موضوع مرا واقعا سردرگم کرده است، برای اینکه من ضد اسلام نیستم. من با خیلی از مسلمانان رابطه درستی دارم، من فقط فکر میکنم آمریکا باید بیدار شود، بخصوص یهودیان، آنها میخواهند یهودی ها را بکشند، آنها اصلا آمریکا را شیطان بزرگ می‌نامند و همه ما را می‌خواهند بکشند، مسئله این است.

خبرنگار: چیزی که من علاقه دارم بدانم این است که آیا واقعا این تفسیر و برداشت مردم است که اشکال دارد یا حقیقت اسلام است؟

رابرتسون: این همان است که شما دین می‌نامید. اگر به قرآن که اساس و دکترین دین است نگاه کنید، اگر تشخیص می‌دهید که پیغمبر فرستاده خدا است، نگاه کنید به آنچه او گفت، آنچه به پیروانش گفته تا انجام دهند و آنچه آنها در طول ۱۴۰۰ سال جنگ بی‌پایان بیرحمانه علیه اروپا و دنیای مسیحیت انجام داده اند، آنگاه خواهید گفت، خوب، آنها اینطوری هستند. این مسئله تفسیر و تحریف نیست، به تاریخ مراجعه کنید.

خبرنگار: جنگهای صلیبی نیز که در آن مردمان بیشماری کشته شدند در همان بخش‌های عالم زیر نام مسیحیت انجام شده است.

رابرتسون: من متنفر هستم از این که بشما بگویم همین حالا در سودان ۵/۲ میلیون نفر توسط یک رژیم اسلامی قتل عام شده اند، الان که داریم گفتگو می‌کنیم آنها زیر بمباران هستند. عین این مسئله در نیجریه دارد اتفاق می‌افتد که هزاران نفر قتل عام میشوند. این چیزی است که در فیلیپین، اندونزی و سایر قست‌های جهان هم اکنون انجام می‌شود.

خبرنگار: و همچنین مسیحی‌ها نیز دارند مساجدی را به آتش می‌کشند.

رابرتسون: خیر، آنها نیستند، این حرف را نزنید، شما بهتر این را می‌دانید، مسیحیت دین صلح است، و ما باید درباره صلح صحبت کنیم، من یک تلویزیون را اداره می‌کنم که از صلح بین مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در خاورمیانه به مدت ۱۸ سال حمایت کرده است. من یک حامی و طرفدار صلح هستم، به دفعات، متشکرم

بسم الله الرحمن الرحيم

عالیجناب پت رابرتسون

با سلام و تبریک میلاد پیامبر پاک و پروا پیشه حضرت عیسی ابن مریم و آرزوی توفیق جنابعالی در ترویج اهداف الهی آن انسان الگو، ماه گذشته سخنان انتقادی شما درباره اسلام و مصاحبه بعدی تان با خبرنگار شبکه تلویزیونی CNN را شنیدم. برای من به عنوان یک مسلمان ایرانی جای تأسف و شگفتی بود در روزگاری که مؤمنین به خدا و پیروان راستین پیامبران او باید با یکدیگر مهربان و متحد بوده و در برابر دنیا پرستی و ظلم و فساد همفکری و همکاری نمایند، چرا یک شخصیت مهم مسیحی سخنانی درباره اسلام و قرآن میگوید که فرسنگ‌ها با حقیقت فاصله دارد! البته چنین حملاتی مدتهاست که علیه اسلام در رسانه‌های عمومی آمریکا صورت میگیرد و متأسفانه کمتر گوینده‌ای انصاف تفکیک میان حقیقت یک شریعت و عملکرد مدعیان پیروی از آنرا رعایت میکند. و اگر نبود جملاتی در مصاحبه شما که نشان میداد خودتان در یک دوراهی شناخت اسلام قرار گرفته اید و متعجب و متحیر هستید که «اگر اسلام دین خشونت است، چرا میلیون‌ها مسلمان بسیار صلح طلب وجود دارند» من گفته‌های شما را چون بقیه طعنه‌های به اسلام و قرآن

تلقی می‌کردم و با بی تفاوتی و تأسف از کنار آن می‌گذشتم، اما همین تأکیدتان که ضد اسلام نیستید و دوستان مسلمان زیادی هم دارید، مرا مشتاق کرد که با اتکاء به قرآن به شما نشان بدهم که تصورتان از اسلام درست نیست.

می‌خواستم شما را دعوت کنم که بدلیل موقعیت ممتاز مذهبی و مسئولیتی که در برابر خداوند در پیروی از شیوه حضرت مسیح دارید، حداقل یکبار قرآن را بدون پیشداوری بخوانید تا ببینید نه تنها تناقض با آنچه در تعالیم واقعی حضرت عیسی از صلح و دوستی یافته‌اید ندارد، بلکه مصدق و مکمل آن نیز هست. متأسفانه مطمئن نبودن از امکان ارتباط با شما و نامه نگاری مستقیم تاکنون مرا از انجام این کار بازداشته بود، اما امروز که سالگرد میلاد حضرت عیسی مسیح است به میمنت و مبارکی وجود پر خیر او تصمیم گرفتم توضیحاتی برای شما بنویسم. امیدوارم خداوند امکان رساندنش را نیز مهیا سازد.

۱- محور سخن جنابعالی که خبرنگار CNN آنرا تیتراژ کرده بود «جهاد در قلب اسلام» (Jihad at Heart of Islam) بود.

صرفنظر از اینکه چنین عنوانی هرگز در قرآن بکار نرفته است، معنای جهاد نیز برخلاف آنچه امروز مترادف با خشونت و ترور ترجمه می‌شود نیست؛ مفهوم جهاد در قرآن به کار بردن نهایت سعی و تلاش با قبول سختی و مشقت برای رسیدن به هدف می‌باشد که دفاع از ملت و آئین در برابر متجاوزان یکی از مصادیق آن است. نوع دیگر آن که در قرآن بر آن تأکید شده، جهاد فرهنگی از طریق قرآن برای هدایت انسانها می‌باشد (فرقان ۵۲) و نوع دیگر و مهمترین آنها کنترل نفس و مهار آن است که پیامبر اسلام آنرا «جهاد اکبر» نامیده است.

در مورد جهاد مسلحانه نظامی نیز اگر در نظر داشته باشید که پیامبر اسلام در چه زمانه و محیطی می‌زیسته و چه مسئولیتی در برابر ملت داشته و چگونه مجبور بوده است در برابر حملات مشرکین و قبائل بدوی بُت پرست که یکتاپرستی را مخالف عقاید آباء و اجدادی خود میدانستند، از پیروانش و از آزادی انتخاب مستقل دین دفاع کند، قضاوت دیگری خواهید کرد. پیامبر اسلام در روزگاری ظهور کرد که جهل، غارت، فقر، زنا، در خاک کردن دختران و انواع ظلم و فساد رواج داشت. اصلاح چنین مفاسدی در هیچ دوره تاریخی با رضایت ارباب قدرت و ثروت و فریب همراه نبوده است و مصلحین هیچگاه در امنیت و آزادی و مصون از

آزار و اذیت و بی‌نیاز از دفاع از جان و مال و ناموس خود و پیروانشان نبوده اند.

اگر مسلح و مجهز شدن و جهاد و جنگ به طور مطلق مذموم است، چگونه است که پیروان مسیح مقدس بیش از همه ملت‌های دنیا در تولید انواع سلاح‌های جهنمی کشتار جمعی و فروش آنها تلاش شبانه روزی می‌کنند و مجهزترین ارتش‌های جهان را تشکیل داده اند؟!

۲- قرآن در هیچ آیه‌ای غیر مؤمنان را بین دوراهی اجبار برای تغییر مذهب یا مرگ قرار نداده است، تمام جنگ‌های زمان پیغمبر با کفار و مشرکین یا یهودیانی بوده است که یا تجاوز کرده و یا پیمان‌های صلح و همزیستی مسالمت آمیز را با خیانت خود یا همکاری با دشمنان اسلام نقض کرده بودند، بهترین سند این حقیقت سوره توبه است که سخت‌ترین چهره را نسبت به دشمنان اسلام دارد. در آیات ۴ و ۷ این سوره صریحاً با استثناء کردن مشرکینی که پای‌بند عهد و پیمان بوده اند، نشان می‌دهد که سخت‌گیری توصیه شده هرگز بدلیل عقیده شرک آمیز آنها نبوده و صرفاً پیمان شکنی را که در آنروز گار و در محیط و فرهنگ قبیله‌ای، معنای اعلان جنگ و دشمنی میداد مورد نظر قرار داده است.

در قرآن جنگ بطور کلی ممنوع است و منحصرأ به کسانی اجازه داده شده است که مورد تجاوز دشمن قرار گرفته و مظلوم واقع شده‌اند (حج ۳۹)، البته قرآن اجازه نبرد داده است، اما فقط در راه خدا (نه تجاوز و توسعه طلبی و تحمیل عقیده)، فقط با کسانی که با آنها می‌جنگند، آنها تا مرحله دفع تجاوز و بدون تعدی به دشمن (بقره ۱۹۰).

در قرآن تصریح شده است که هیچگونه اکراهی در دین وجود ندارد (بقره ۲۵۶)، شما با استناد به کدامین آیه چندین بار مدعی شده اید مسلمانها میخواهند ما (یهودیان و مسیحیان) را بکشند؟ آیا میتوانید برای نمونه حتی یک آیه نشان دهید که فقط به دلیل عقیده مخالف (حتی شرک و بی‌دینی) مسلمانان مجاز باشند مزاحمتی برای کسی بوجود آورند؟

۳- یاد آور شده‌اید که مسلمانان یهودیان را از اعقاب میمون و خوک میدانند، چنین سخنی هرگز عمومیت ندارد، همچنانکه در میان هر ملت و پیروان هر شریعتی طیفی از انسانهای بسیار بد و بسیار خوب وجود دارند، قرآن با مذمت کسانی از اهل کتاب (بنی اسرائیل) که از راه راست گمراه شده و مرتکب فسق، رشوه خواری،

تجاوز و تعدی شده بودند، در تشبیه حرام خوری آنان به خوک، مقلد بودنشان به میمون و پیروی شان از قدرتمندان، به بنده طاغوت، چنین تمثیل‌هایی را که تجسم و تحقق آن صفات در وجود یک انسان است ذکر کرده است (مائده ۶۰).

قضاوت قرآن در باره بنی اسرائیل را نمیتوان از تنها آیه‌ای که درباره منحرفان است درک کرد، برای آشنائی و دید جامع‌تر شما نکات ذیل را یادآور میشود:

۱-۳ قرآن در ۱۶ آیه تورات و انجیل را مورد تصدیق قرار داده است (سوره‌های بقره، آیات ۴۱، ۸۹، ۹۱، ۹۷، ۱۰۱، آل عمران آیات ۳، ۳۹، ۵۰، ۸۱، نساء، آیه ۴۷، مائده آیات ۴۶ و ۴۸، انعام آیه ۹۲، هود آیه ۳۷، احقاف آیات ۱۲ و ۳۰، صف آیه ۶) و آنها را هدایت و نور و موعظه و امام و رحمت نامیده است (سوره‌های مائده آیه ۴۶، هود آیه ۱۷)، در اینصورت چگونه ممکن است پیروان آنها را میان اجبار برای تغییر آئین یا مرگ قرار دهد؟ قرآن اصلاً خود را نگهبان آنها معرفی کرده است (سوره مائده آیه ۴۸).

۲-۱۳ اگر نام حضرت محمد در قرآن فقط ۴ بار آمده است، در عوض نام حضرت موسی ۱۳۶ بار و حضرت ابراهیم ۶۹ بار و حضرت مریم و حضرت عیسی (جمعا) ۷۰ بار تکرار شده است. علاوه بر آن، نام پیامبران پاک‌نهادی همچون اسحق، یعقوب، یوسف، سلیمان، داود، یونس، و... به کرات تکرار شده است. مسلمانان طبق توصیه قرآن حق ندارند کوچکترین فرق و تمایزی میان هیچیک از پیامبران قائل شوند (سوره‌های بقره آیات ۱۳۶ و ۲۸۵، آل عمران آیه ۸۴) و با خودبینی راه تفرقه و جدائی را پیوند، در اینصورت چگونه ممکن است مسلمانها را مأمور کشتن پیروان کسانی بکنند که پیروی از آنان را توصیه کرده است؟

۳-۳ قرآن تصریح کرده است که اهل انجیل باید مطابق آنچه خدا نازل کرده (کتاب خودشان) حکم کنند و گرنه از شریعت خارج شده‌اند (سوره مائده آیه ۴۷) و به پیامبر اسلام فرمان داده به اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) بگو شما بر چیزی نیستید (تکیه بر ارزشی ندارید) مگر آنکه تورات و انجیل را بپا دارید (سوره مائده آیه ۷).

۴-۳ خداوند پیامبر اسلام را مأمور کرد به اهل کتاب اعلام نماید: ما (هم) به خدا و آنچه بر ما نازل شده (قرآن) ایمان داریم و (هم) به آنچه بر ابراهیم و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده و (هم) به آنچه به موسی

و عیسی و پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است، ما کوچکترین فرقی میان هیچیک از آنان نمیگذاریم و یکسره تسلیم خدا (نه تمایلات قومی و نژادی خود) هستیم (سوره های بقره آیه ۱۳۶ و آل عمران آیه ۸۴).

۳-۵ نه تنها اعلان فوق، که به زبان های مختلف چندین بار در قرآن تکرار شده است، بلکه پیامبر اسلام فرمان داشته اهل کتاب را به وحدت با مسلمانان حول سه محور مشترک: توحید، دوری از شرک، ارباب نگرفتن طاغوتها دعوت نماید (سوره آل عمران، آیه ۶۴).

۳-۶ قرآن تصریح میکند، ما برای هر یک از شما (پیروان یهودیت و مسیحیت و اسلام) شریعت و راه روشنی قرار داده ایم، در حالیکه اگر خدا می خواست می توانست شما را یک امت نماید، حال که چنین است (بجای تکیه روی اختلافات) در کارهای خیر با یکدیگر مسابقه بگذارید (و بدانید) بازگشت شما بسوی خدا است و او شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد کرد (سوره مائده آیه ۴۸).

۳-۷ قرآن نه تنها عمل به تورات و انجیل را باطل نشمرده، بلکه تأکید کرده است، اگر آنها کتاب دینی شان و آنچه را که بر آنها نازل شده بپا دارند، از زمین و آسمان (برکت) خواهند خورد. در میان آنها مردمانی معتدل و درستکار هستند ولی بسیاری از آنها بد عمل می کنند (سوره مائده آیه ۶۶).

۳-۸ قرآن به مسلمانان آموخته است که از قوم موسی مردمانی وجود دارند که دیگران را به حق دعوت می کنند و خودشان نیز بعدالت گردن می سپارند (سوره اعراف آیه ۱۵۹). تجلیل هائی که قرآن از نیکان اهل کتاب کرده است بی نظیر است. از جمله در آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ آل عمران میفرماید: هر گز اهل کتاب یکسان نیستند؛ از میان آنها مردمان هدفدار بپا خواسته ای وجود دارند که آیات خدا را در حال سجده نیمه های شب تلاوت می کنند، به خدا و آخرت ایمان مستمر دارند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای خیر شتاب دارند و از صالحین هستند. مسلماً کارهای خیری که انجام می دهند نادیده گرفته نمی شود (چرا که) خداوند دانای به پرهیزکاران است. در مقایسه منصفانه دیگری در سوره آل عمران (آیه ۷۵) می گوید از اهل کتاب کسانی هستند که اگر گاو صندوقی از طلا و نقره به آنان امانت بدهی به تو برمی گردانند، در حالیکه کسان دیگری از آنها حتی یک دینار امانت را هم بتو بر نمی گردانند، مگر آنکه بر آنان مسلط باشی...

همانطور که ملاحظه میفرمائید، در آیات فوق ۱۰ صفت (هدفداری، برپا بودن، تلاوت شبانه آیات خدا، سجده، ایمان به خدا و آخرت، امر بمعروف و نهی از منکر، سرعت در خیرات، صالح بودن، تقوا) برای آنها قائل شده است که عالیتین تجلیل ممکن است. به نظر شما کتابی که چنین ستایشی از نیکان اهل کتاب میکند، منطقی است مسلمانان را مأمور قتل آنها کرده باشد؟

۳-۹ قرآن اضافه کرده است ما انجیل را به عیسی بن مریم دادیم و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت را قرار دادیم (سوره حدید آیه ۲۷) چگونه ممکن است کتابی که مردمی را اهل رأفت و رحمت شناخته، درباره آنها توصیه به خشونت کرده باشد؟

در جای دیگر تأکید مینماید: ... تو کسانی را که میگویند ما نصارا (یاران عیسی بن مریم) هستیم، از نظر دوستی با مسلمانان نزدیکتر از همه خواهی یافت، چرا که در بین ایشان کشیش‌ها و راهبانی وجود دارند و آنها تکبر نمی‌ورزند" (سوره مائده آیه ۸۲). بنظر شما تناقض میان قضاوت‌های منفی درباره قرآن با این توصیه‌ها وجود ندارد؟

۳-۱۰ خوب است بدانید علاوه بر سوره مریم که مشتمل بر داستان زندگی زکریا، یحیی، مریم و عیسی مسیح است، یکی از مفصل‌ترین سوره‌های قرآن در باره "آل عمران"، یعنی خانواده خالص و خداجوی والدین حضرت مریم می‌باشد.

همچنین سوره یاسین که قلب قرآن نامیده شده، از مأموریت سه رسول (نمایندگان حضرت عیسی) برای هدایت مردم انطاکیه سخن می‌گوید و مؤمن آل یاسین را بسیار می‌ستاید. در مورد رسالت حضرت موسی برای هدایت بنی اسرائیل نیز ۴ سوره بطور اختصاصی به این امر اختصاص دارد (سوره‌های: طه، شعراء، نمل و قصص) و در بقیه قرآن فراوان به این تجربه اشاره شده است.

آیا با این حقایق هنوز هم فکر میکنید قرآن فرمان قتل عام یهودی‌ها و مسیحی‌ها را داده است؟

البته انکار نمیتوان کرد که علاوه بر آیات ستایش آمیز فوق درباره انسان‌های مثبت و نیکوکار از اهل کتاب، در آیات بسیاری نیز نقدهای سخت و مذمت آمیزی علیه منحرفان، ستمکاران و گمراهان اهل کتاب شده است. همچنانکه در آیات بسیاری انتقادات شدیدی هم به مسلمانان سُست عنصر و منافق صفت شده است، گمان نمی‌کنم شما مدعی باشید همه کسانی که به خاطر شناسنامه‌شان یهودی یا مسیحی نامیده شده‌اند انسانهای صادق و صالحی باشند.

به طور خلاصه قرآن همه پیامبران را معلمان یک مدرسه و پیروان آنها را شاگردان یک مدرسه می‌داند که بر حسب سن و سال و درجات تحصیلی در کلاسهای مختلفی جمع شده‌اند، ولی در حقیقت به یک نظام آموزشی تعلق دارند.

قرآن بارها به مسلمانان توصیه کرده به یهود و نصارا اعلام نمائید، خدای ما و شما یکی است و همه بندگان او هستیم و بسوی او بازگشت می‌کنیم.

قرآن در دو آیه مختلف به پیروان موسی و مسیح، همچنان پیروان محمد (بر همه آنها سلام و درود باد) که اهل ایمان و عمل صالح و معتقد به آخرت باشند وعده بهشت و دوری از خوف و حزن داده است (سوره‌های بقره آیه ۶۲ و مائده آیه ۶۵). آیا باور کردنی است وعده داده شدگان به بهشت مورد تهدید و قتل و خشونت قرار گیرند؟

این است پاسخ دراز آن سرد رگمی و تحیر شما که چگونه (با وجود متهم بودن قرآن به خشونت) میلیونها مسلمان بسیار صلح طلب وجود دارند؟

با آرزوی تحقق صلح جهانی و برادری نهائی همه پیروان راستین پیامبران الهی

عبدالعلی بازرگان